



# 외과의사 엘리제

외전 공개!

مترجم: @dorsa\_dyn

تایپست: @dorsa\_dyn

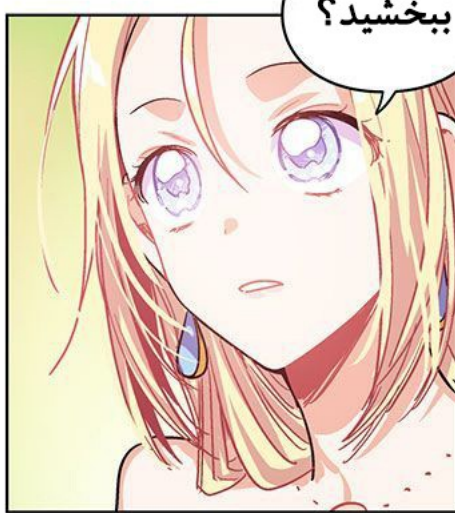
کلینر: @dorsa\_dyn



کی ہمچین حرفی  
رو زده؟



ببخشید؟



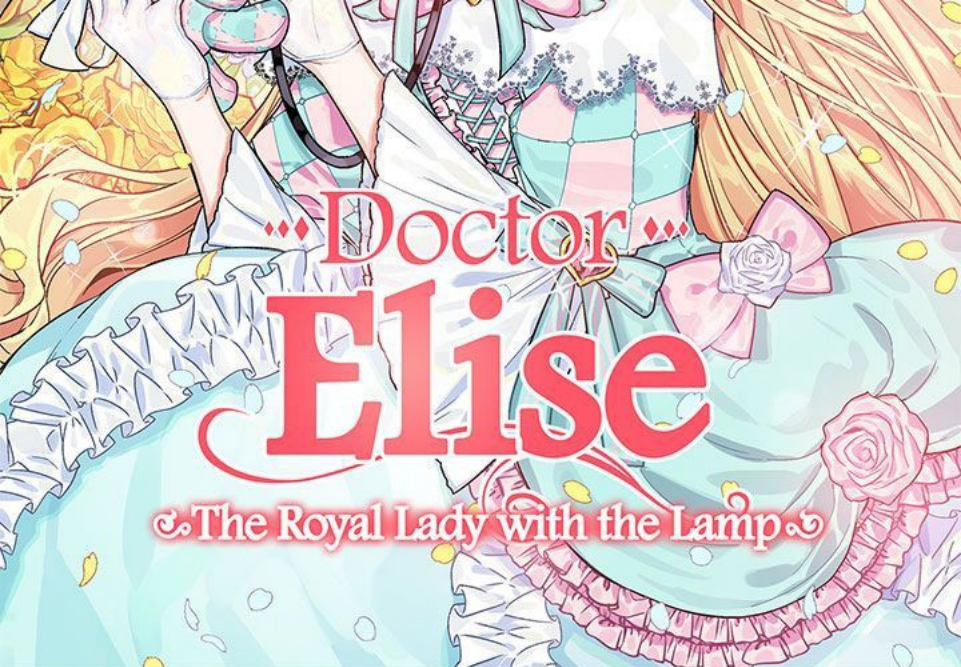
کی گفته من مجبور به  
این نامزدی شدم؟



Original Story **yuin**  
Comic **mini**







# Doctor Elise

~ The Royal Lady with the Lamp ~

11

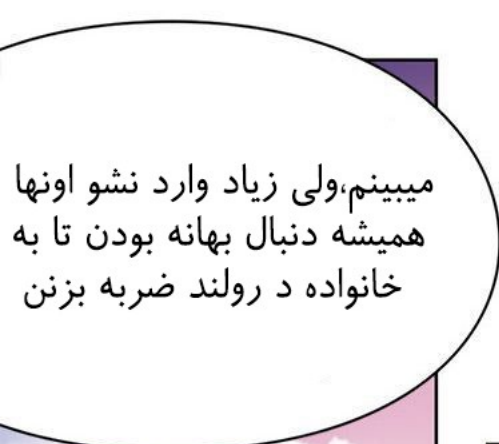


مارکئوس جوان مشکوک رفتار میکنه.

\*مارکئوس یکی از مقام های اشرافه  
چیزو مافطان کشورن اینجا  
منظورش پدر الیزه نیست



اون با پرنس میکائیل ملاقات داشته. من فکر میکنم بهتر باشه از نزدیک حواسمون بهش باشه



میبینم، ولی زیاد وارد نشو اونها همیشه دنبال بهانه بودن تا به خانواده د رولند ضربه بزنن



نگران نباشید. خاندان من خیلی ضعیف نیستش.



و من باید درباره ی اتفاقی با الیزه افتاد معذرت خواهی کنم. همش تقصیر منه. من حتما مطمئن میشم که تنبیه بشه



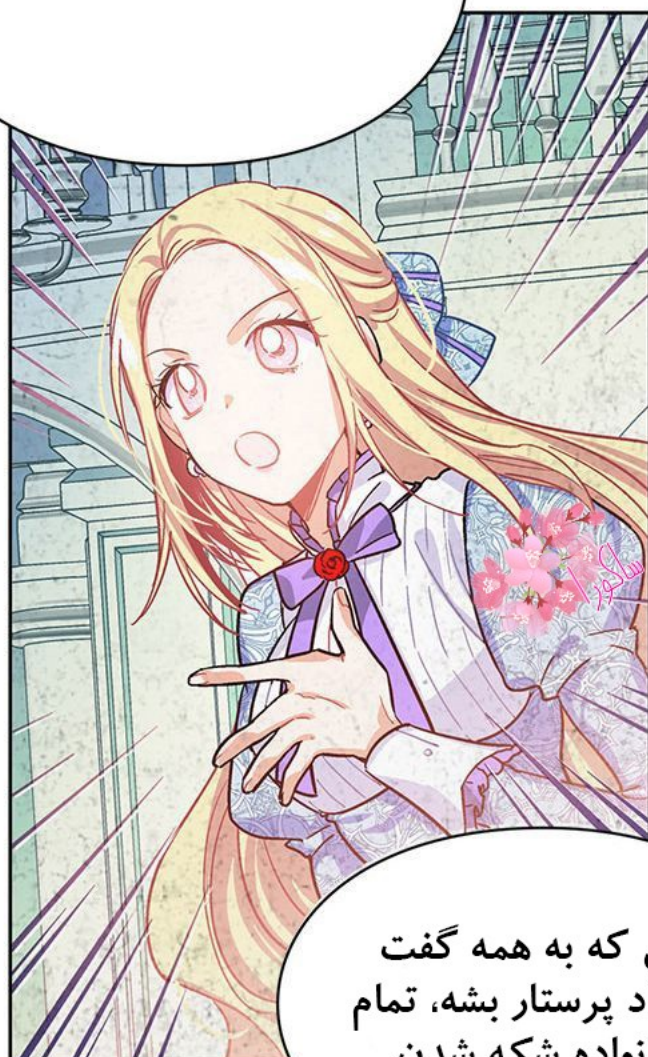


چرا سرزنشش کنی؟  
مگه دختر فوق العاده ای نیست؟  
با اینکه توی ناز و نعمت بزرگ  
شده ولی بازم به چیزای شبیه  
به این فکر میکنه من  
واقعا شگفت زده شدم.



الیزه منو یاد  
مادرش میندازه.

...!



ترزا هم همین کارو نکرده بود؟

وقتی که به همه گفتم  
میخواه پرستار بشه، تمام  
خانواده شکه شدن.



فکنم قبلا هم  
این اتفاق افتاده.

خب، اون با شرط من  
موافقت کرده  
پس من این شانس رو  
بهش میدم که توی بیمارستان  
کار کنه.



اون بعد از چند روز  
طالقت فرسا بلاخره  
تسلیم میشه.



پس، کجا باید بفرستیمش؟  
باید با بیمارستان صلیب سلطنتی  
تماس بگیرم؟

اون بیمارستان فقط معتبر ترین اشراف  
وسلطنتی ها رو در امپراطوری  
قبول میکنه. حتی یه دختر از خاندان د لورند  
هم نمیتونه اونجا درس بخونه.

پس...؟

راجب چی نگرانی؟

خاندان د لورند یک  
بیمارستان داره

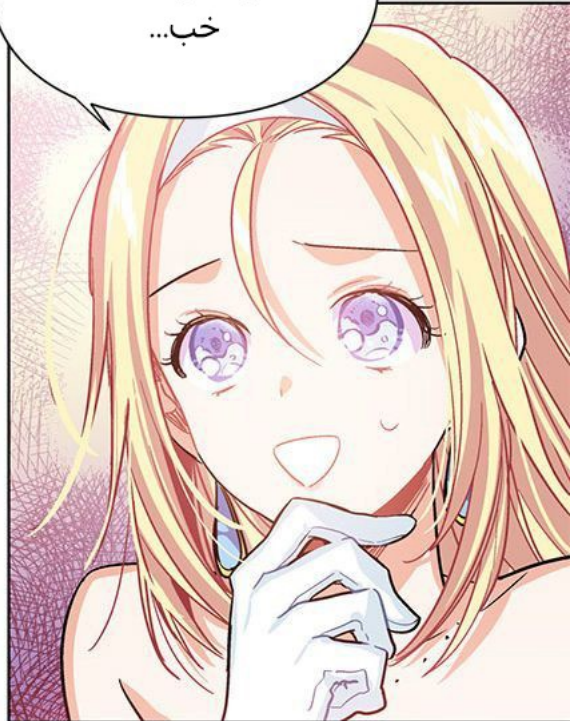
بیمارستان ترزا.

بزار از اونجا یاد بگیره.





کی اینو گفته؟  
خب...



معلومه که شما از من متنفرید.



من مطمئن میشم که این  
نامزدی رو کنسل کنم تا  
باعث ناراحتی شما نشه.

من به خاطر لجبازیم و در نظر  
نگرفتن احساساتون واقعا  
معذرت میخوام.









الیزه! تو میخوای دکتر بشی؟

تو در حال حاضر یه دردمسری  
توی خونه، حالا الان میخوای تو  
بیمارستان مشکل درست کنی؟  
این باید جلوش گرفته شه

هومم... لیز. اگه میخوای دکتر بشی،  
چطوره اینجا بیمارستان بازی کنیم؟  
من بیمارتم میشم

...

این زیاد طول نمیکشه!





کریس

بله

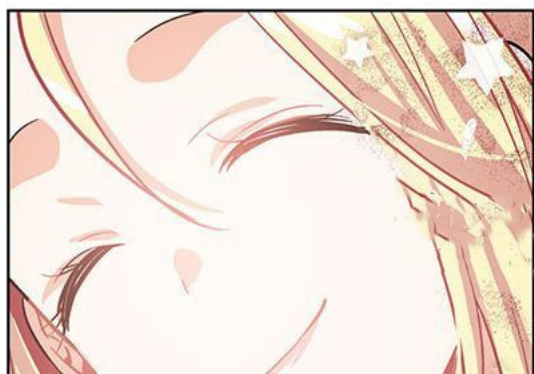
میتونی منو تو راه کارت به کتابخونه بریتیا ببری؟

خیلی خب، من هر کاری برای لیزمون انجام میدم اما از اونجایی که این اواخر سرم شلوغه نمیتونم تو رو برگردونم

اشکالی نداره من قصد دارم تا دیروقت اونجا بمونم تا هروقت کارت تموم شد بتونی بیای دنبالم

حدود یک هفته بیشتر وقت ندارم تا وقتی که تو بیمارستان کار کنم، پس باید تا جایی که میتونم کتاب های پزشکی بخونم

من باید بدونم که پزشکی تو این امپراتوری چقدر پیشرفته است تا بتونم تشخیص و درمان مناسب رو ارائه بدم







بلاخره ، قراره  
توی بیمارستان کار کنم!



دانش پزشکی اونها از چیزی  
که فکر میکردم پیشرفته تره. به  
خصوص در زمینه داروسازی. اونها  
در حال حاضر آنتی بیوتیک و داروهای  
بییهوشی دارن.

اشعه ی ایکس همراه با معاینات  
شیمیایی اولیه امکان پذیره. بعلاوه  
اونها میدونن که باید برای جراحی  
از بییهوشی استفاده کنن!

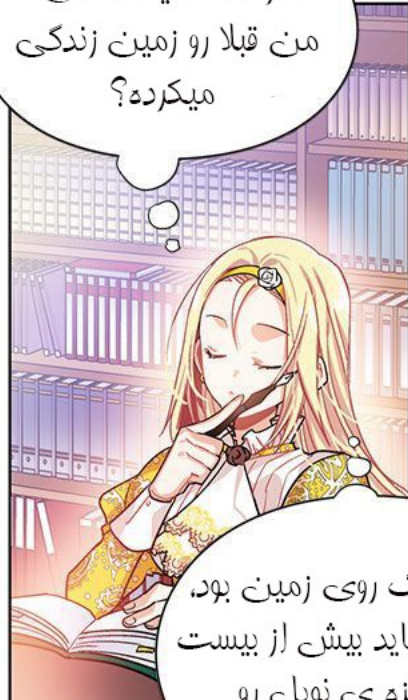
پیشرفت پزشکی امپراطوری فقط  
به لطف یه نفره.



## کیمیاگر بزرگ، فلمینگ!



نگو که فلمینگ مثلاً  
من قبلاً رو زمین زندگی  
میکرده؟



اگه فلمینگ روی زمین بود،  
اون حتماً باید بیش از بیست  
بار جایزه ی نوبل رو  
دریافت میکرد.

با اینحال، امپراطوری فاقد درک  
اساسی از بیماری هاست  
هیچکس به فکر استفاده  
از این دارو برای درمان  
ضربان قلب نامنظم نیست



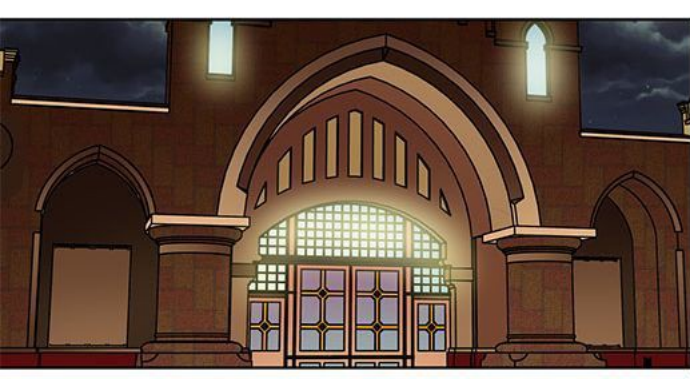
و این دارو برای درمان تورم موثر است.  
و این یکیهم برای درمان عفونتاً خوبه.



و این باید برای  
بیماری های قلبی استفاده بشه.  
و اینکی هم که برای تبه.  
درحالی که این یکی...

...













اما اون یاداشتا یه چیز  
دیگه نشون میده...  
این خطای درهم قطعا  
دست خط خودشه...



نکنه اون مفیانه درحال  
مطالعه پزشکی بوده؟  
نمیتونه این باشه

شاید فواهرم  
واقعا یه نابغه است؟!!



به هر حال، لیز  
خیلی دیروخته باید  
برگردی.

اوه..



آممم.. کریس



اشکالی نداره اگه یکم  
بیشتر مطالعه کنم؟



